

نگاه **معمومه رضایی**: تاریخ‌پزوه

درباره‌نخستین سیهید شهید انقلاب اسلامی

درنگی در رازهای یک ترور

روز ار تش جمهوری اسلامی، یادآور خاطره فرمانده دلیر این نیرو، یعنی سیهید شهید محمد ولی فرنی است.او که نخستین رئیس ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران بود و در مبارزه با ضدانقلابیون، کارنامه درخشانی از خود بر جای گذاشت، سرانجام ظهر روز دوشنبه سوم اردیبهشت۱۳۵۸، توسط گروهک فرقان ترور شد و به شهادت رسید.
چرای انتخاب سیهید قرنی به‌عنوان نخستین هدف ترور گروهک فرقان را، گرچه برخی به مسئله به‌اصلاح ضلع زور، از مثلث زر و زور و تزویر مربوط می‌دانند اما نباید از نظر دور داشت که کینه و نفرت گروه‌های چپ از وی، ریشه تاریخی داشت؛ چرا که او در دوره تصدی رکن دو ارتش، شبکه افسران حزب توده را کشف و منهدم کرد و این مسئله‌ها نبود که گروه‌های چپ بتوانند از آن بگذرند. علاوه بر آن می‌توان دلیل اصلی این ترور را، در نقش انقلابی و قاطع او در حفاظت از پادگان سنندج و جلوگیری از انحلال ارتش دانست. توضیح آنکه با استقرار محمولی قرنی در ستاد کل ارتش، نشانه‌های بحران کردستان آشکار شد.

با شدت گرفتن درگیری ارتش و گروه‌های مسلح به رهبری عزالدین حسینی، که خواهان تشکیل جبهه بزرگ خلق کرد و در واقع تجزیه کشور بودند، امام‌خمینی (ره) پیام مهمی درباره درگیری‌های سنندج صادر کردند. ابلاغ پیام امام‌خمینی (ره) توسط سرلشکر قرنی، نظامیان را بر آن داشت که به هر نحو ممکن، پادگان سنندج را از خطر سقوط نجات دهند. بنابراین با قاطعیت قرنی و مقاومت مدافعان پادگان که تا فروردین سال ۵۸ ادامه یافت، حلقه محاصره پادگان شکسته و سقوط آن منتهی شد. صبح روز ۲فروردین ۱۳۵۸، مذاکره هیأت اعزامی از تهران با سران گروه‌های مسلح شروع شد و همزمان اجتماعی چندده‌هزار نفری از مردم در سنندج برگزار شد که در آن شیخ عزالدین حسینی و غنی بلوریان، سخنان تندی ایراد کردند و لحظه‌ای که سید احمد صدرحاج‌سیدچوادی، وزیر کشور دولت موقت می‌خواست سخنرانی کند، جنگنده‌های نیروی هوایی اقدام به گشت‌زنی و شکستن دیوارهای صوتی در آسمان سنندج کردند. دلیل این اقدام، حضور ده‌ها فرد مسلح در سنندج بود. این مسئله سبب شد تا صدر حاج‌سیدچوادی، با ارسال تلفنگرامی به تهران، خواهان قطع پروازها شود. این پیام با پاسخ قاطع سیهید قرنی روبه‌رو شد؛ پاسخی که شاید به قیمت جان نخستین رئیس ستاد مشترک ارتش پس از انقلاب تمام شد؛ تا‌موقعی که اینجانب از طرف رهبر انقلاب مسئولیت اداره ارتش را دارم، از انجام نظر جماعتی و آزاد کردن افرادی که به داخل پادگان به‌منظور قتل و غارت



شهید سیهید محمولی قرنی نخستین رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی

مهم‌ترین علت برکناری قرنی قاطعیتی بود که وی در قبال توطئه ضدانقلابیون در کردستان از خود نشان داد. گروه‌های فعال سیاسی دائماً تلاش می‌کردند تا قاطعیت قرنی در دفاع از نظام جمهوری اسلامی به‌ویژه مبارزه با تجزیه‌طلبان کردستان را سرکوب و خشونت قلمداد کنند

هجوم برده‌اند و تسا زمانی که متجاوزین گمراه، شهر را به وضع آرام قبل برنگردانند، یعنی تا زمانی که ایستگاه رادیو تلویزیون در دست افراد مجاهد از کرمانشاه و ساختمان‌های ستاد لشکر و فرودگاه، مجدداً به مسئولین معین شده‌اند و گذار نگردد و سرهنگ صفری فرمانده لشکر ۲۸کردستان، خود را به ستاد نیرو در تهران معرفی ننماید، با وجود تمام ارادتی که به شخص حضرت ابی‌الله‌قلانی و جنابعلی دارم،… این مقابل خشونت تعدادی اجنبی تسلیم نخواهم شد…».
این قاطعیت که بعدها کاملاً مورد تأیید سران انقلاب قرار گرفت، موجب شد که در ششمین فروردین ۱۳۵۸، روزنامه‌ها اعلام کنند به دستور مهندس بازرگان نخست‌وزیر، محمولی قرنی از کار برکنار و ناصر فرید جایگزین او شده‌است. اگرچه ستاد کل ارتش، برکناری قرنی را اعلام کرده بود اما در واقع چند روز قبل از این ماجرا، او استعفانامه‌اش را خطاب به امام‌خمینی(ره) نوشته بود. شهید قرنی رونوشت این نامه را نیز به رئیس دولت موقت ارسال داشته بود. مهم‌ترین علت برکناری قرنی قاطعیتی بود که وی در قبال توطئه ضدانقلابیون در کردستان از خود نشان داد. گروه‌های فعال سیاسی دائماً تلاش می‌کردند تا قاطعیت قرنی در دفاع از نظام جمهوری اسلامی به‌ویژه مبارزه با تجزیه‌طلبان کردستان را سرکوب و خشونت قلمداد کنند؛ در این زمان از سوی گروه‌های مختلف سیاسی، قرنی به‌عنوان یکی از چهره‌های نظامی حکومت شاه مطرح می‌شد و سوابقش با بزرگ‌نمایی و سیاه‌نمایی هر چه شدیدتر، در بیانیه‌ها و مطبوعات منعکس می‌شد؛ا به هر حال نقش قرنی در مبارزه باضدانقلابیون کردستان و بی‌توجهی او به دستور وزیر کشور وقت، مورد استناد فرقاتیان هم قرار گرفت، تا جایی که کتیر گودرزی در بازجویی‌های خود می‌گوید: «در رژیم فعلی، این وقتی وزیر کشور وقت که برای حل درگیری‌های کردستان، همراه چند تن از مقامات بدانجا رفته بود، از قرنی می‌خواست که عملیات نظامی را متوقف کند، اما او این مطلب را نپذیرفت.».

❖ **بی‌نوش‌ها در گروه تاریخ همشهری موجود است.**



گزارش
الهام‌دانای سرشت
روزنامه‌نگار

بیش از ۴۳ سال است که بیست و‌نهمین روز از فروردین‌ماه، به‌عنوان روز تجلیل از فدakar ی‌های ارتش جمهوری اسلامی ایران، در تقویم رسمی کشور ثبت شده است؛ روزی که برای نخستین بار، به فاصله حدود ۲ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، توسط امام خمینی (ره) اینچنین نام گرفت تا پاسخی مناسب باشد به وفاداری ار تشیان به آرمان‌های انقلاب اسلامی. اما چه شد که ۲۹فروردین، به‌عنوان روز ارتش جمهوری اسلامی ایران انتخاب شد؟ یا آنکه روز‌های دیگری نیز مربوط به ارتش است، از جمله: ۱۹بهمن سالروز دیدار همافران با امام‌خمینی(ره) و روز نیروی هوایی ارتش، ۱۷آذر سالروز اجرای عملیات مروارید و روز نیروی دریایی ارتش و ۱۰آشهریور سالروز تشکیل قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء(ص) و روز پدافند هوایی ارتش. روز نوشتار پی آمده، بسترهای تاریخی این نامگذاری، مورد بررسی قرار گرفته‌است.

توطئه دشمنان برای انحلال ارتش
با پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن‌ماه ۵۷، بحث انحلال یا بقای نهاده‌ها و دستگاه‌های باقی‌مانده از دوره رژیم شاهنشاهی، به‌طور جدی مطرح شد. یکی از این نهاده‌ا‌رتش ایران بود. برخی افراد و گروه‌ها با انگیزه‌های متفاوت مطرح می‌کردند که ارتش باید منحل شود. مخالفان ارتش همواره از غیرقابل‌اعتماد بودن این نهاد، روحیه شاهنشاهی داشتن افراد و ناکارآمد بودن اعضای آن سخن می‌گفتند و اظهار می‌کردند که چاره‌ای غیر از انحلال این نیرو وجود ندارد. بااین همه هدف اصلی از طرح این شعار، جلوگیری از انسجام و قدرت گرفتن ارتش و فراهم شدن زمینه‌های ضعف و تزلزل در نظام نوپای اسلامی و در نهایت فروپاشی و انهدام آن بود. چریک‌های فدایی خلق و سازمان مجاهدین خلق (منافقین)، ازجمله گروه‌های قائل به برچیدن ارتش و تأسیس یک نیروی نظامی جدید بودند. چریک‌های فدایی خلق ارتش جدید را «ارتش خلق» و سازمان مجاهدین خلق ارتش جدید را «ارتش بی‌طبقه توحیدی» پیشنهاد می‌کردند. چریک‌های فدایی خلق در اسفند ۵۷تجمعی برپا کردند که در پایان، آن قطعه‌نامه‌ای صادر شد. در بخشی از آن قطعه‌نامه آمده بود: «ارتش و دستگاه‌های عریض و طویل اداری، که ستون‌های رژیم وابسته به امپریالیسم به‌شمار می‌روند، باید هرچه زودتر منحل شوند و ارتش نوین خلق و ارگان‌های اداری نوین، که پاسخگوی شرایط نوین هستند، به‌وجودآیند.» مسعود رجوی نیز رسماً در نخستین میتینگ سازمان مجاهدین خلق در دانشگاه تهران، ارتش دیدگاه را با تأکید بر بی‌اعتمادی به ارتش اعلام کرد. یکشنبه ۱۶اسفندماه ۱۳۵۷، در یکی از تیتزهای صفحه نخست کیهان، به نقل از مسعود رجوی آمده بود: «آقای بازرگان! اگر مسئله ارتش محل نشود، شما مسئول کشتارهای آینده خواهید بود.» و در متن سخنرانی وی آمده بود: «این مبرم‌ترین مسئله کنونی ماست، انحلال و تجدید سازمان انقلابی ارتش…» از سوی دیگر، دیدگاه دوم به تصفیه ارتش و پها دادن سه نیروهای میانی و در عین حال تأسیس یک نهاد جدید برای مقابله با احتمال کودتا و جلوگیری از تکرار ۲۸مرداد ۱۳۳۲ باور داشت. دولت موقت اعلام کرد به این دیدگاه باور دارد. اما تنها گروهک‌ها نبودند که

تاریخ



امام (ه) با هوشمندی شعار انحلال را برنتابید

بسترهای تاریخی نامگذاری روز ارتش جمهوری اسلامی

خواستار انحلال ارتش بودند، بلکه بودند انقلابیون ساده، ناآگاه و جریان‌ات دیگری که شاید با انقلاب نیز در تقابل نبودند اما به اهمیت وجود ارتشی که آموزش دیده، تحصیل علوم نظامی را طی سالیان طولانی پشت‌سر گذاشته و اکنون آماده است تا با دل و جان در خدمت انقلاب اسلامی، رهبری آن و مردم باشد، پی نبرده بودند و بیم داشتند که همین اگر ارتش در نقاطی حساس مثل کردستان تقویت نشود، به‌طور قطع ضدانقلاب در صدد اضمحلال ارتش و جدایی مناطقی مثل کردستان خواهد بود.

انتصاب ریاست ستاد مشترک ارتش از سوی امام خمینی *

در این میان، همزمان با مطرح شدن موضوع انحلال ارتش از سوی برخی افراد و گروه‌ها، یگان‌های از ارتش در کردستان و گنبد (ترکمن صحرا)، مشغول مقابله با ناآرامی‌ها و تجزیه‌طلبیان بودند. تجزیه‌طلبان در گنبد، اعضا و ایستگان سازمان چریک‌های فدایی خلق بودند. روزهای کومله و دمکرات نیز در غرب کشور و به‌ویژه سنندج، به پادگان‌های نیروی زمینی ارتش حمله می‌کردند. به همین دلیل، سرلشکر محمولی قرنی که از ارتش شاه کنار گذاشته شده بود، در روز ۲۳بهمن ۵۷با حکم امام‌خمینی(ره)، ریاست ستاد مشترک را بر عهده گرفت. او به سازماندهی ارتش پرداخت و به سرعت مشغول مقابله با ناآرامی‌ها شد. در ۲۷بهمن ۱۳۵۷، یعنی ۴روز بعد از این انتصاب، ۱۵۰ نفر از استادان دانشگاه و دانشجویان جامعه اسلامی دانشگاهیان با حضور در مدرسه علوی محل سکونت موقت امام خمینی(ره)، سؤالات و ابهامات‌شان درباره ارتش را تک‌به‌تک از ایشان پرسیدند و بیانگذار جمهوری اسلامی نیز با‌گشاده‌رویی به آنان پاسخ دادند. امام در پاسخ به سؤال برخی از دانشگاهیان گفته بودند: «همین امروز آقای قرنی را من، فرستاده‌ام! اینجا، آقای بزدی هم آمد! بکنید. مردم را او از دولت باشد، او هم که رئیس استاد.» بنا بر این شد که در همین هفته، این طبقه اول ارتش آ را، بیابند و مشغول کار بشوند. اگر گویند که مار ارتش نمی‌خواهیم – که همچنین چیزی نمی‌گویند – ما ارتش می‌خواهیم، مسا‌آنداز مری می‌خواهیم، به برچیدن ارتش و تأسیس یک نیروی نظامی جدید بودند. چریک‌های فدایی خلق ارتش جدید را «ارتش خلق» و سازمان مجاهدین خلق ارتش جدید را «ارتش بی‌طبقه توحیدی» پیشنهاد می‌کردند. چریک‌های فدایی خلق در اسفند ۵۷تجمعی برپا کردند که در پایان، آن قطعه‌نامه‌ای صادر شد. در بخشی از آن قطعه‌نامه آمده بود: «ارتش و دستگاه‌های عریض و طویل اداری، که ستون‌های رژیم وابسته به امپریالیسم به‌شمار می‌روند، باید هرچه زودتر منحل شوند و ارتش نوین خلق و ارگان‌های اداری نوین، که پاسخگوی شرایط نوین هستند، به‌وجودآیند.» مسعود رجوی نیز رسماً در نخستین میتینگ سازمان مجاهدین خلق در دانشگاه تهران، ارتش دیدگاه را با تأکید بر بی‌اعتمادی به ارتش اعلام کرد. یکشنبه ۱۶اسفندماه ۱۳۵۷، در یکی از تیتزهای صفحه نخست کیهان، به نقل از مسعود رجوی آمده بود: «آقای بازرگان! اگر مسئله ارتش محل نشود، شما مسئول کشتارهای آینده خواهید بود.» و در متن سخنرانی وی آمده بود: «این مبرم‌ترین مسئله کنونی ماست، انحلال و تجدید سازمان انقلابی ارتش…» از سوی دیگر، دیدگاه دوم به تصفیه ارتش و پها دادن سه نیروهای میانی و در عین حال تأسیس یک نهاد جدید برای مقابله با احتمال کودتا و جلوگیری از تکرار ۲۸مرداد ۱۳۳۲ باور داشت. دولت موقت اعلام کرد به این دیدگاه باور دارد. اما تنها گروهک‌ها نبودند که

چطورند…».

با این همه حرف و حدیث‌ها درباره انحلال ارتش و اقدامات دولت موقت، موجب شد که سرلشکر قرنی در نخستین روز از فروردین سال ۵۸، از سمت خود استعفا کند و مدیریت وی در ۴روز به پایان برسد. برکناری قرنی از ریاست ستاد ارتش، معلول درگیری‌های سنندج بود. قرنی معتقد بود: اگر ارتش در نقاطی حساس مثل کردستان تقویت نشود، به‌طور قطع ضدانقلاب در صدد اضمحلال ارتش و جدایی مناطقی مثل کردستان خواهد بود.

شهید قرنی در استعفای خود، با شکایت از اقدامات ضدانقلاب و دشمنان خارجی و دخالت‌های بی‌جا در امور ارتش، چنین نوشته بود: «معاون نخست‌وزیر ارتش و فرمانده ارتش و مالک الرقاب می‌داند، بدون آنکه بداند ارتش چه موقعیت و چه امکاناتی دارد و متأسفانه بدون اینکه حتی اینجانب را طرف مشورت قرار دهد، هر روز دستورآیی صادر می‌نماید که ارتش باشی شارهز لطمه‌ای دیگر بر روحیات افسران و افراد خود و افتادن مقداری سلاح و مهمات و مال و منال، به‌دست افراد ناصالح و وابسته به خارجیان باشد و… وزیر دفاع بدون مشورت و نظرخواهی از اینجانب و خارج از وظایف خود، می‌رود از رادیو و تلویزیون و مطبوعات نسنجیده می‌گوید که سربازان فروردین مرخص و بالتجیه تعداد معدودی که از ارتش باقی‌مانده‌اند، به سربازخانه‌ها فرستاده شود و نگاهداری سربازخانه‌ها را هر کرده و به موطن خود می‌روند و شب هنگام عناصر توده‌ای وابسته به سیاست‌های خارجی، با کمک‌ها به سربازخانه‌ها می‌روند و باقیمانده سلاح و مهمات را بار کرده و به خارج از شهر می‌برند…دولت بدون مشورت با ارتش و آگاه‌ترین مرجع ارزیابی کردستان، نمایندگانی را به آنجا می‌فرستد که با ورود آنها و نخستین سخن‌پرآکنی که می‌کنند، مردم را به پساگان مهیاد ریخته و غارت می‌کنند و در جلوی همین هیأت، فرمانده پادگان را گلوله‌باران می‌کنند…» اگرچه استعفای قرنی مورد پذیرش امام خمینی(ره) قرار گرفت اما چند روز بعد مهندس بازرگان سه‌ او گفت که با استعفای او موافقت شده‌است.

مخالفت تمام‌قد رهبر انقلاب با انحلال ارتش
پس از استعفای سرلشکر قرنی، سرلشکر ناصر فرید، از امرای قدیمی ارتش، رئیس ستاد مشترک شد. او از نزدیکان نهضت آزادی و جبهه ملی بود و از همفکران دولت موقتی و انقلاب به‌نام است. به‌حساب می‌آمد. این انتصاب موجب شد تا اختلافات کمی کاهش یابد اما موضوع انحلال ارتش همچنان مطرح می‌شد و این مسئله موجب نابسامانی در این نهاد شده بود. فرماندهان ارتش از امام‌خمینی(ره) درخواست ملاقات کردند

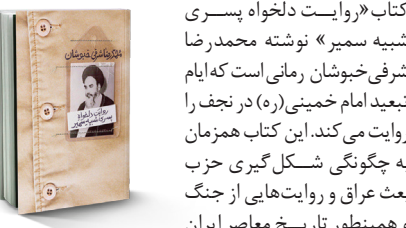
و برای برون‌رفت از این وضعیت چاره‌اندیشی کردند و از ایشان خواهند که فرماندهی خود بر کل نیروهای مسلح را مجدداً اعلام کنند تا با استفاده از این حکم حکومتی، قوام و انضباط به ارتش بازگردد. سرانجام رهبر کبیر انقلاب اسلامی، جهت پایان دادن به تمام توطئه‌ها، دسیسه‌ها، توهین‌ها، کم‌لطفی‌ها و… نسبت به ارتشی که از نخستین ساعات پس از پیروزی انقلاب، با تمام وجود در اختیار رهبر، ملت و انقلاب اسلامی قرار گرفته بود و پس از گذشت ۶۶روز، تعداد زیادی شهید و مجروح و جانباز تقدیم انقلاب کرده بود و در مقابل دشمنان داخلی و خارجی، از تمامیت ارزی و استقلال کشور و انقلاب به دفاع برخاسته بود، در روز سه‌شنبه ۲۸فروردین ۱۳۵۸، اعلامیه تاریخی خود را صادر کرده و سنگ بنای روز ارتش را گذاشتند؛ «روز چهارشنبه ۲۹فروردین، روز ❖ **بی‌نوش‌ها در گروه تاریخ همشهری موجود است.**

۱۳۵۸، امام خمینی(ره) در دیدار شهید سرلشکر ولی‌الله فلاحتی و برخی از امرای ارتش جمهوری اسلامی

یکشنبه ۴اردیبهشت ۱۴۰۱
شماره ۸۴۸۲

تاریخ معاصر

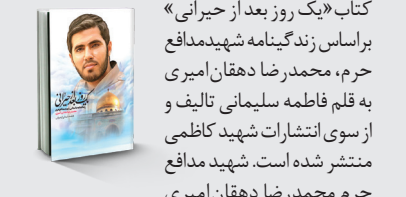
روایت دلخواه پسری شبیه سمیر



کتاب «روایت دلخواه پسری شبیه سمیر» نوشته محمدرضا شرفی‌خوشان زمانی است که امام تبعید امام خمینی(ره) در نجف را روایت می‌کند. این کتاب همزمان به‌چگونگی شکل‌گیری حزب بعث عراق و روایت‌هایی از جنگ و همینطور تاریخ‌معاصر ایران پرداخته‌است. این اثر داستان شهیدی ایرانی است که به اشتباه به عراق منتقل می‌شود و برای خاکسپاری به‌وادی‌السلام انتقال پیدا می‌کند. وادی‌السلام نام منطقه‌ای در نجف است که محل رجعت تعدادی از پیامبران و امامسان و مؤمنین در روز رجعت است. در این اثر داستانی بزرگانی که در این منطقه از بسیاری از کشورها از جمله ایران به خاک سپرده شده‌اند با هم‌گفت‌وگو می‌کنند. روایت ارواحی که متفاوت از دیگران می‌اندیشیدند و حال دور هم جمع می‌شوند تا داستان زندگی خود را تعریف کنند. در بخشی از کتاب روایت دلخواه پسری شبیه سمیر می‌خوانیم: سید تبعیدی شخصی مثل من را اعتنا نمی‌کرد. من اما شخص سید را از قبل می‌شناختم و اطلاعات وسیعی در مورد جنایش کسب کرده بودم. علی‌ایحال حس می‌کردم مقومرد نشده‌است که به‌طور کامل سید را بتوانم بشناسم. سید تبعیدشده‌ای که فی‌عمرات استخبارات صفان مطمئن بر نیمکت دراز کشیده بود و دقیقاًهمان موقع علمانیش در ایران به حزب بعث و احمد حسن البکر اعلان زده بودند و هزاران اشخاص مشغول تظاهرات و به‌خاطر تصمیم طرد سید، معترض شدید و غلیظ به عراق بودند. واقعاً آن موقع توانسته بودم جناب سید را بشناسم؟ جناب سیدی که با موت و ولدش اوضاع ایران متزلزل شده در کل ایران مجلسی تعزیه بود. اخبار اوضاع ایران به‌ما واصل می‌شد. بی‌بی‌سی عربی هم اخبار را انتقال می‌داد.»

تاریخ پایداری

یک روز بعد از حیرانی



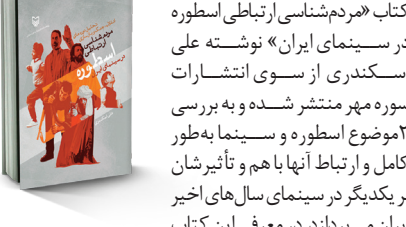
کتاب «یک روز بعد از حیرانی» براساس زندگینامه شهیدمدافع حرم، محمدرضا دهلقان امیری به قلم فاطمه سلیمانی تالیف و از سوی انتشارات شهید کاظمی منتشر شده‌است. شهید مدافع حرم محمدرضا دهلقان امیری متولد ۲۶فروردین ۱۳۲۴ در استان تهران است و در تاریخ ۲۱آبان‌ماه سال ۱۳۹۴ با عنوان بسیجی تکاور راهی سوریه شد و همزمان با آخرین روزهای ماه محرم الحرام در نبرد با تروریست‌های تکفیری در حومه حلب طی عملیات محرم خلعت شهادت پوشید و در تاریخ ۲۵آبان در امامزاده علی اکبر چیذر به خاک سپرده شد. محمدرضا دانش آموخته دبیرستان علوم و معارف اسلامی امام صادق(ع) و دانشجو سیال مسوم فقه و حقوق اسلامی در مدرسه‌عالی شهید مطهری بود. در قسمتی از کتاب می‌خوانیم: چه خوش روزی بودی! مهر زمامت برایت دو پرچم آورده بودند. یکی از پرچم‌ها متبرک حرم بود با ذکر «لیکب یا زینب» همه می‌گفتند: «محمدرضا خوش روزی بوده که دو پرچم تقدش شده.» می‌گفتند: «پرچم به نشونه از حضرت زینب بود که می‌خواست به شما بگه هدی‌ه‌تون رو پذیرفته»

پدر و مادرت چه هدیه‌ای بهتر از تو داشتند برای تقدیم کردن؟ و چه دلیل و حجتی بهتر از این پرچم متبرک برای قبولی نذر و هدیه؟ پرچم چه به موقع رسیده بود. قلب مادرت با بدینش آرام شد.

تاریخ هنر

مردم‌شناسی از تباطی اسطوره

در سینمای ایران



کتاب «مردم‌شناسی ارتباطی اسطوره در سینمای ایران» نوشته علی اسکندری از سوی انتشارات سوره مهر منتشر شده و به بررسی آموضوع اسطوره و سینما به‌طور کامل و ارتباط آنها با هم و تأثیرشان بر یکدیگر در سینمای سال‌های اخیر ایران می‌پردازد. در معرفی این کتاب آمده‌است: طرح مفهوم مردم‌شناسی ارتباطی و تبیین ابعاد به‌صورت علمی در کنار تحلیل اسطوره قهرمان ۳دوره انقلاب، جنگ و بازسازی و تحلیل ساختاری روایت، حکایتگر اختلاف یا انطباق قهرمانان نامزایی شده بر پرده سینما با آنچه در جامعه ظهور و بروز دارد، خواهد بود. شناخت روایت داستانی در قالب مؤلفه‌های اسطوره‌ای و با توجه به مردم‌شناسی ارتباطی هر دوره (انقلاب، جنگ و بازسازی) و تحلیل روایت این آثار، ۲۴مهره دارد: از یک‌سو موجب غنای آگاهی تماشاگران و تحلیل‌گران فیلم می‌شود و از سوی دیگر مورد استفاده سینماگرانی قرار می‌گیرد که درصدد تولید متون رسانه‌ای برای پاسخگویی به نیاز آن دوره مخاطبان‌اند. بنابراین این کتاب به‌لحاظ نظری سعی دارد به غنای ادبیات اسطوره‌ای، به‌خصوص در حوزه مردم‌شناسی ارتباطی در مطالعات رسانه‌ها، کمک کرده و جای خالی تحلیل متون رسانه‌ای را براساس نظریات این حوزه جبران کند. در این پژوهش، از مفاهیم نظری باصولی استفاده می‌شود که پژوهشگران پیشین تا حدودی از آن سود جسته‌اند ولی از حوزه مردم‌شناسی ارتباطی و تحلیل ۳دوره، در کنار تحلیل شخصیت قهرمان (گونه، کارکرد، جنسیت، سنن و مراحل فراز و فرود قهرمان در ۳دوره نام‌دهد) تاکنون بهره‌گیری نشده‌است.